

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

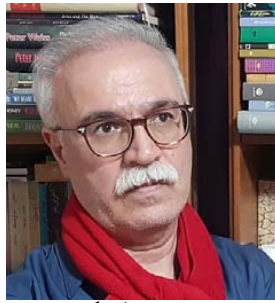
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

داکتر محمد قراگوزلو
۲۱ جولای ۲۰۲۴



داکتر محمد قراگوزلو

۲. داستان پزشکيان و رقيبان!

چين دنگ شيانوپينگ به جاي آرژانتين خاوير ميلي
هر آنچه سخت و استوار بود دود شد و هوا رفت!

در آمد! تجديد آرايش بورژوازي ايران

فريد زكريا: «متوجه شده ام که شما درباره احتمال مذاکرات هسته ئی و حتی حرکت به سوی نوعی توافق هسته ئی جديد يا بازگشت به توافق قبلی صحبت کرده ايد.....»

باقري کني (معاون سعيد جليلی در شورای عالی امنيت ملی و معاون سياسی وزير خارجه دولت رئیسی و رئیس تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی و سرپرست وزارت خارجه بعد از سقوط بالگرد): «ما یک توافقی داریم که در سال ۲۰۱۵ منعقد شده است؛ این توافق با موافقت ايران و ۱+۵ نهائی شد. ما هنوز عضو برجام هستیم. امریکا از این توافق کنار کشيد و باعث شد توافق صدمه ببیند. امریکا هنوز به برجام نتوانسته است برگردد. لذا هدفی که تعقيب می کنیم احیای توافق ۲۰۱۵ (برجام) است.» تسنیم/ ۲۸ تیر-سرطان-۱۴۰۳

یک شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۳ و متعاقب کشيده شدن انتخابات به دور دوم با حضور مسعود پزشکيان و سعيد جليلی روزنامه اعتماد تيتر زد:

«رقابت نهائی

موافقان و مخالفان برجام»

با توجه به همسانی نظر سعید جلیلی و باقری کنی و ضدیت این دو با برجام و با توجه به مخالفت شدید جبهه پایداری و نفر اول این جبهه (محمود نبویان) در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از تهران (۱۱ اسفند-حوت-۱۴۰۲) و با توجه به اینکه وی به نمایندگی از کل جبهه خود برجام را در مجلس به آتش کشیده بود و با توجه به این که چنین اقدامی متأثر از این گفته رهبر جمهوری اسلامی بود که "اگر امریکائی ها برجام را پاره کنند ما آن را آتش می زنیم" (مهر/ ۲۵ خرداد-جوزا- ۱۳۹۵) و با توجه به مفاد این تحلیل که "تماشا کنید: باقری، بازنده بزرگ احیای برجام/ چرا علی باقری مذاکره کننده اصلی ایران، اخراجی جریانی شده که به او پر و بال داد؟" (انتخاب/ ۲ شهریور- سنبله- ۱۴۰۱) و... با توجه به این که برجام پروژه اصلی بورژوازی پروغرب درون حاکمیت برای ادغام سرمایه داری ایران در سرمایه داری امریکا و اروپا بوده است.... این موضوع بسیار قابل تأمل است که چرا یکی از سرسخت ترین مخالفان احیای برجام در شرایط کنونی از برنامه "احیای برجام" به عنوان "هدف" حکومت سخن می گوید؟ توجه کنید این نکته کلیدی از زبان و دهان روحانی و ظریف و عراقچی و صالحی و مشابه خارج نشده است. گوینده آن کپی برابر اصل سعید جلیلی و نبویان و همه سوزانندگان برجام است. شکی نیست که نه باقری کنی و نه سعید جلیلی - با وجود قرار گرفتن در نزدیک ترین لایه های مرکز قدرت نظام - از چنین اختیار و اقتداری برخوردار نیستند که ریل سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به سمت "احیای برجام" تغییر دهند. این جریان که خود را "دولت سایه" می نامیده است و به اعتبار وزرای همسوی خود نقش کلیدی در دولت رئیسی ایفا می کرده است، همواره برجام را مترادف "استحاله" در سیاست های امریکا می دانسته و به تعبیر خود بر ضرورت "استفاده از ظرفیت های داخلی" و "دور زدن تحریم ها" دفاع می کرده است. اکنون اما اوضاع عوض شده است. آنان که قصد داشتند روحانی و ظریف را به دلیل "معطل کردن کشور برای امضای برجام" محاکمه کنند، حالا از "احیای برجام" سخن می گویند. برنامه چنین تغییر ریلی - پس از سقوط بالگرد- چه در اتاق های فکر حاکمیت نوشته شده باشد و برای اجرای مناسب آن از پیش قرعه به نام پزشکیمان در آمده باشد و چه ناشی از ضرورت های ناگزیر تحولات فعلی و آتی منطقه ئی و جهانی و نوعی پراگماتیسم پیدا و پنهان باشد به وضوح خود را در حذف دو نماینده شاخص و ضد برجام کنسرواتیست ها (قالیباف و جلیلی) و عروج پزشکیمان نشان می دهد. ریاست ظریف بر تشکل "من در آوردی" و تازه تأسیس "شورای ستراتیژیک دولت پزشکیمان" و عضویت افرادی همچون هادی خانیکی و علی شکوری راد (اعضای مرکزیت حزب مشارکت سابق و اتحاد ملت فعلی) و امثال علی ربیعی و عباس عبدی و م جلالی پور و حسین مرعشی و م رنانی و ا حضرتی (که ترکیبی است از سه جریان مشارکتی و کارگزارانی و اعتدال و توسعه) بروشنی نشان دهنده تجدید آرایش بورژوازی ایران است. انتخابات چهاردهم با وضوحی چشمگیر تغییر ریل جمهوری اسلامی را نشان می دهد. برای این که قطار تغییر سیاست خارجی و داخلی روی چنین ریلی حرکت کند آقایان قالیباف و جلیلی نمی توانستند لکوموتیو رانان مناسبی باشند. لطفاً کمی صبر کنید.

به ادامه بخش نخست این مقاله باز می گردیم!

سقوط "کیتان دکتر سردار قالیباف"!

در مورد شکست مکرر قالیباف در انتخاب های ریاست جمهوری و افول عجیب او در انتخابات مجلس دوازدهم و قرار گرفتن در رده چهار درصدی ها به نکاتی اشاره کردم. به جرأت می توان گفت - و پذیرفت- که با توجه به نتایج انتخابات مجلس و رأی ۴۰۰ هزار نفره قالیباف در تهران (از میان ده میلیون و سیصد هزار نفر حائزین شرایط رأی دادن) و شکست لیست "شانان" یا به تعبیر حداد عادل "چنار" از "پاجوش ها" هر سیاستمدار نسبتاً معقولی به این جمع بندی ساده می رسید که عرصه فعالیت سیاسی را کنار بگذارد و به کار و بار دیگری بپردازد. قالیباف اما چنین نکرد.

او وارد مجلس شد و به اعتبار همان رأی ۴ درصدی تهران کت و شلواری ریاست قوه مقننه را پوشید. برای کسب این منصب و مقابله با جریان رقیب (پایداری چی ها) "نمایندگان" اصلاح طلب و "مستقل" نیز کنار او نشستند. هر چند بدون توصیه و تأکید مرکزیت نظام ظاهر شدن قالیباف در رأس مجلس اسلامی ممکن نبود. چنین حمایت اکیدی در جریان سوق دادن او به کارزار انتخابات زودرس ریاست جمهوری چهاردهم نیز به وضوح دیده شد. تمام رسانه های وابسته به مرکزیت قدرت - از کیهان گرفته تا تسنیم و فارس و مشرق - یک پارچه از قالیباف حمایت می کردند. در این میان به جز سایت رجانیوز - که حامی جلیلی بود - فقط محفل رائفی پور و "عدالتخواهان" وابسته به جلیلی و کم و بیش رئیسی در مقابل رئیس مجلس اسلامی ایستاده بود. قالیباف اما در پاسخ به افشاگری های مخالفان اصولگرای خود حرف زیادی برای گفتن نداشت. جنجال "املاک نجومی" به افشای "کمک ۶۰ میلیارد تومانی" قالیباف به "خبریه" همسرش انجامید. طرح موضوع فساد در "هلدینگ یاس" از سوی سعید محمد و طرح این مسأله که "اگر هر فردی حتی یکی از مشکلات ایشان را داشت صدباره حذف یا برکنار می شد" (انتخاب/ ۶ اسفند-حوت- ۱۴۰۲) از سوی فرمانده اسبق قرارگاه خاتم (سعید محمد) در مجموع وجهه و چهره سیاسی و اقتصادی قالیباف را در میان جوانان اصولگرا به کل مخدوش کرده بود. علاوه بر اینها عملکرد وی در مقام فرماندهی پولیس تهران و سپس ۱۲ سال شهردار پایتخت قالیباف را به سیاستمداری مطرود در میان مردم رأی دهنده و فعالان "عدالتخواه" درون نظام تبدیل کرده بود. با تمام این اوصاف او - لابد - به اعتبار برخی وعده و وعیدها وارد انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری اسلامی شد. کم و بیش اکثر روحانیان ارشد در کنار اکثریت قاطع فرماندهان سپاه از او حمایت بی چون و چرا کردند. کار به جایی رسید که یکی از روحانیان ارشد نظام گفت که "قاسم سلیمانی آرزو داشته که روزی قالیباف رئیس جمهوری و عبداللهیان وزیر خارجه شود." قالیباف که از نزدیک ترین دوستان جنرال فرمانده سابق سپاه قدس به شمار می رفت حتماً از این طریق نتوانست پایگاه رأی خود را تقویت کند. او در پاسخ رائفی پور که با صدای بلند داد می زد:

« یک سؤال! بیا به مردم توضیح بده پسر تو، تو کانادا می خواسته اقامت دائم بگیره درسته یا غلطه؟ صد هزار یورو اون یکی پسرت توی المان رفته خونه خریده و دوباره فروخته، این ماجرای ۸ کیلو طلا توی خونه پسرت که می گفتن فرمانیه ست کجاست، این درسته یا غلطه؟»

پاسخ قالیباف اما مطلقاً فرار به جلو بود و هیچ یک از این اتهامات را حل و رفع نمی کرد:

« هر چی ما نگاه می کنیم با ذره بین جبهه بوده؟ نه! اونجا بوده؟ نه! اون کار رو کرده؟ نه! بنا نیست ما دهنمون رو وا کنیم و هر حرف نگفته رو اسمش رو بگذاریم انقلابی. تو که هیچ غلطی تو عمرت نکردی. عمر خودت رو تباه کردی. حداقل تو حق نداری حرف بزنی.»

این افشاگری ها با کنار گذاشتن سعید محمد از وزارت صمت در کابینه رئیسی - که او خود معتقد بود با فشار قالیباف انجام شده - وارد مرحله جدیدی شد. کار از افشاگری گذشت و عملاً به تقابل میان دو جناح در اصولگرایان کشید. برنده انتخاباتی این نزاع فکشنالیستی در انتخابات مجلس دوازدهم جناح پایداری بود اما با این اوصاف این قالیباف بود که بر کرسی ریاست مجلس تکیه زد. نگفته پیدا بود که اشغال چنین مقامی به مزاج "پاجوش" ها خوش نمی آمد. آنان منتظر تسویه حساب در روز موعود بودند و قالیباف و "چنار" نیز - با وجود رئیسی - کماکان برای تصدی پست ریاست جمهوری در کمین نشسته بودند. سقوط بالگرد "روز واقعه" را تسریع کرد. قالیباف اما مرد این میدان نبود!

او که پیش از همه کاندیداها ستادهای انتخاباتی خود را دائر کرده بود تا روز ۱۴ خرداد به انتظار نشست تا رهبر جمهوری اسلامی مصادیق مشخص یک "رئیس جمهوری اسلامی انقلابی" را تبیین کند. قالیباف خود را مصداق تمام

عیار این مشخصات می دید. چنین بود که موقتاً بیخیال صندلی ریاست یک قوه شد و برای رسیدن به آرزوی دیرینه اش به سوی نشستن روی کرسی قوه دیگر – که بیش از دو قوه دیگر جاذبه دارد و دیده می شود – خیز برداشت.

متعاقب نخستین مناظره خسته کننده شش کاندیدا و نظر سنجی های معمول دانسته آمد که هم قالیباف و هم پزشکیان و حتا جلیلی می توانند از صندوق رأی بیرون بیایند. در واقع نتیجه مناظره در میان کاندیداها "صفر-صفر" به نفع "هیچ کس" شده بود. اما نکته نگران کننده کماکان بی اعتنائی اکثریت مردم حائز رأی دادن به انتخابات بود.

رسانه اصلی جمهوری اسلامی یعنی صدا و سیما در اختیار طیف جلیلی بود. پیمان جلیلی که مدتی به همراه نادر طالب زاده مسؤولیت "پرس تی وی" را به عهده داشت در کنار برادر سعید جلیلی ریاست و قائم مقامی صدا و سیما را در اختیار گرفتند. داوود جلیلی منتقد شدید جریان مسلط اصولگرایان به شمار می رفت و رفتار و عملکرد "جمنا" (جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی/ ائتلاف سیاسی در جناح اصولگرا) را – که زیر نظر مهدی چمران و حداد عادل فعالیت می کردند – به همراه افرادی همچون عزت الله ضرغامی و علی عسکری به "ابن ملجم" تشبیه می کرد. در مقابل طیف جلیلی – جلیلی کل رسانه های چاپی و نتایج اصولگرایان بشدت و با تمام قدرت از قالیباف حمایت بی چون و چرا می کردند و خواهان کناره گیری جلیلی به نفع او بودند تا "در همان دور نخست کار تمام شود و راه دولت رئیسی ادامه یابد." با این حال جبهه پایداری با سعید جلیلی آمده بود که تا آخر پیش برود. آنچه باعث شد از روز بعد از مناظره نخست ورق به سود جلیلی برگردد نه کلی گوئی های خسته کننده وی بلکه ضعف مفرط قالیباف و بالا آمدن پیشینه وی در پولیس و شهرداری تهران بود. علاوه بر اینها مشاوران قالیباف که برای پیروزی او با ژستی تکنوکرات و بروکرات در صدا و سیما حاضر می شدند و کنار "رئیس" می نشستند به قدری ناتوان بودند که حتا فرق "پولیس +۱۰" و "پولیس ۱۱۰" را نمی دانستند. اگر پزشکیان با حالتی گیج و منگ و چهره ای "معصومانه" حل همه مسائل کشور را به "کارشناسان" حواله می داد و خود را مانند احمدی نژاد "مخلص مردم" می دانست، اگر جلیلی از تجربه خود در "دولت سایه" و برنامه "نقطه زنی" سخن می گفت و حتا تا آنجا پیش می رفت که "انحلال پیمانکاری ها" و "افزایش دستمزد کارگران" را به میان می کشید و علیه برجام در دفاع مطلق از FATF به امریکا و اروپا حمله می کرد و با تکیه به "طرفیت های داخلی" هیچ آلترناتیو جهانی را پیش نمی کشید در مقابل قالیباف فاقد هر گونه خصلت برنامه محور بود. او به شیوه ای کاملاً پراگماتیستی در شرایطی خود را ادامه دهنده "راه رئیس جمهور شهید" می خواند که دولت رئیسی طی سه سال در تمام سطوح اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به بن بست خورده بود و در یک بلا تکلیفی کامل گیر کرده بود. دو روز بعد از مناظره اول تمام نظر سنجی های حکومتی نشان می داد که قالیباف در آستانه "اوت شدن" ایستاده است. با اینهمه او و حامیانش در بدنه اصلی اصولگرایان کماکان معتقد بودند که نامزد "اصلاح" کماکان شخص قالیباف است. در بدترین حالت ممکن آنان امید دار بودند که انتخابات با حضور جلیلی و قالیباف به دور دوم کشیده شود و رأی جناح میانه اصلاح طلبان و اعتدالیون به جیب قالیباف واریز شود. از روز چهارم و متعاقب برگزاری دور دوم مناظره ها اما قطار انتخابات کلاً تغییر ریل داد و معلوم شد که شانس قالیباف حتا برای رفتن به دور دوم چیزی کمتر از هیچ است! نتیجه انتخابات دوازدهم مجلس با شدت و وضوحی بیشتر تکرار شده بود. کنسرواتویست های حاکم به سود طیف جدید خود پوست می انداختند. دوران حداد عادل و چمران و فرماندهان ارشد سپاه و روحانیان تراز اول تمام شده بود. با حذف نماینده ایشان خط مصباح – میرباقری (رهبر جریان آکادمی) بالا آمده بود. توتیبت یک فعال اصولگرا (محمد مهدی مهاجری) گویای همه داستان بود:

« به همان اندازه که آقای سعید جلیلی در توهم رئیس جمهور شدن، سال ها زنبیل گذاشته، آقای محمدمهدی میرباقری برای رهبر شدن در خواب، رؤیا دیده. همین! »

ماجرای اما خلاف توثیق شعارگونه مهاجری به "همین" سادگی ها هم نبود. بدنه جبهه پایداری حدود "پاجوش" ها را شکسته بود و به تنه پوسیده چنار چنان چسبیده بود که هر آئینه در شرف انداختن آن بود. نه رأی یکی دو نفر از کارگران هفت تپه و امثال میرباقری و طرح حذف "پیمانکاری" ها و حمایت فلان محفل "چپ" و نه ژست ضد لیبرالی جلیلی زمینه ساز عروج او نبود. این جریان صرفاً به سبب ضعف مفرط هژمونی و اتوریته رقیب خود سوار امواج آرای اصولگرایان شد. واقعیت این انتخابات نشان داد که کل جبهه کنسرواتویست های حاکم - که بخش غالب قدرت سیاسی و اقتصادی کشور را در دست دارند- از وجود یک سیاستمدار متوسط حتی در حد احمدی نژاد نیز بی بهره هستند. علاوه بر اینها روند سیاسی حاکمیت مؤید این امر است که محافظه کاران انتخابات به انتخابات چهره های "مقتدر" خود را به نفع اردوی رقیب از دست می دهند. پیوستن ناطق نوری و علی لاریجانی به کمپین پزشکیمان مؤید همین امر است. این ضعف تا آنجا پیش رفته است که فردی همچون وحید حقانیان به سمت پزشکیمان می غلند. مضاف به این که در میان تمام افراد ثبت نام کرده حتا یک نفر را نمی توان یافت که از حداقل اتوریته برای تصدی پست "رئیس جمهوری اسلامی" برخوردار باشد.

باری داستان سقوط قالیباف وقتی از مرزهای تراژیدی فراتر رفت و به کمدی نزدیک شد که برای حل "اتهام" اسکاندال "سیسمونی گیت" متهم و بازیگر اصلی سناریو یعنی دخترش را به میدان دشواری های انتخاباتی وارد کرد. تمام!

هر چند در دو انتخابات مجلس دوازدهم و ریاست جمهوری چهاردهم "تشکیلات پایداری" به ریاست صادق محصولی زیر پرچم قالیباف رفته بود اما بدنه و تفکر آن در کنار افرادی همچون سعید محمد و یاسر جبرئیلی و رسائی و ثابتی کنار جلیلی ماندند. روز ۱ تیر- سرطان- کانال تلگرامی "صابرین نیوز" مدعی شد که بر مبنای نظرسنجی دانشگاه تهران در صورت انصراف جلیلی و زاکانی و قاضی زاده نتیجه انتخابات در همان دور اول به سود قالیباف رقم خواهد خورد! بر اساس این نظر سنجی کناره گیری قالیباف به نفع جلیلی باعث می شد ۲۰ درصد آرای او به سید پزشکیمان و ۳۸ درصد به سود جلیلی واریز شود. اما با کنار رفتن جلیلی ۴۵ درصد آرای او به نفع قالیباف و فقط ۵ درصد به حساب پزشکیمان ریخته می شد. یک روز بعد نظرسنجی "ایسپا" (جهاد دانشگاهی) نشان داد که حداکثر ۳۰ درصد حائزین آراء در انتخابات شرکت خواهند کرد. نکته مهم در این نظر سنجی اما فقط میزان حداقلی مشارکت نبود. نظر سنجی حاکی از آن بود که سه نفر نامزد تأیید صلاحیت شده در مجموع فقط ۴ درصد آرای مشارکت کنندگان را دارا هستند و در این "بازی بزرگ" حتا نخودی هم نیستند! اما نکته مهم تر نظرسنجی نه در پرت بودن زاکانی و قاضی زاده و پور محمدی بلکه در جایی دیگر تعریف می شد. ایسپا از پیش افتادن پزشکیمان (۲۴.۴ درصد) و تعقیب شدن از سوی جلیلی (۲۴.۰ درصد) خبر می داد. پرده های تراژیدی برای قالیباف از همین جا بالا رفت. زمانی که دانسته آمد او با فاصله زیادی (۱۴.۷ درصد) از دو نفر دیگر عقب تر است. در چنان شرایطی ولوله عجیبی در میان اصولگرایان "چنار"ی راه افتاد. این احتمال که انتخابات با حذف "غیر منتظره" قالیباف به دور دوم کشیده شود و پزشکیمان و جلیلی در مقابل هم صف ببندند قوت گرفت. اصولگرایان شک نداشتند که در چنین صورتی بازی را به اصلاح طلبان محافظه کار و اعتدالیون خواهند باخت. لابی های محافظه کاران دست به کار شدند تا جایزه کناره گیری جلیلی به سود قالیباف را به حداکثر ممکن افزایش دهند. اختصاص ۸ وزارتخانه و ۱۰ استاندار به جبهه پایداری امتیاز کمی نبود. سایر نظرسنجی های مراکز دولتی و شبه دولتی همین وضع را نشان می داد. در چنان شرایطی برای نظام حاکم - که نامزد مطلوب خود را حذف شده می دید - علاوه بر عروج نامزد صلب جبهه پایداری یک موضوع نگران کننده دیگر نیز وجود داشت. میزان کم مشارکت و خدشه به مشروعیت!

به این ترتیب بود که از پنج روز مانده به "رستاخیز" رأی گیری، صحنه مناظرات و موضوعات مورد بحث و سمت گیری رسانه های دو طرف تغییر کرد. نامزد "نیمه مطلوب" اصلاح طلبان که تأیید صلاحیت خود را مرهون رهبری نظام دانسته بود و در همان روز ثبت نام متعهد شده بود که راه دولت رئیسی را دنبال کند و به صراحت تأکید کرده بود که برنامه متفاوتی با دولت پیشین ندارد و تمام "مشکلات کشور را ناشی از عمل نکردن به منویات رهبری نظام" خوانده بود ناگهان ساز دیگری کوک کرد. پزشک‌یان به طرز ناگهانی تغییر ریل داد و مستقیم رفت سراغ "برجام"ی که از سوی رقیب سوزانده شده بود. او همچنین از ضرورت پیوستن به FATF سخن گفت و تنها مقصر رد این قانون را شخص جلیلی دانست و از همه مهم تر این که به مصوبه سال ۱۳۹۹ مجلس ("قانون اقدام ستراتیژیک برای لغو تحریم ها") حمله کرد و آن را مانع احیای برجام و گشایش اقتصادی کشور دانست. این قانونی بود که حسن روحانی آن را "بدترین قانون جمهوری اسلامی" می دانست و رهبر نظام معتقد بود:

« این قانون به نفع ما است، به نفع کشور است و به نفع صنعت هسته نی است. بعضی ها خیال می کنند این قانون برای کشور مشکل درست کن است، اشتباه می کنند. این قانون، قانون خوبی است.» (۲۸، ۳، ۱۴۰۲)

این "بعضی ها" روحانی و ظریف و شرکاء بودند. حالا پزشک‌یان نیز به جمع این "بعضی ها" اضافه شده بود. ورود "مجدانه" و تمام عیار ظریف برجامی به کمپین پزشک‌یان و عربده هائی که علیه مخالفان می کشید مؤید شکل بندی صف های جدید در بورژوازی ایران و نخبگان سرمایه داری حاکم بود.

پزشک‌یان در دومین مناظره رو در رو با جلیلی در دور دوم انتخابات (۱۲ تیر ۱۴۰۳) رسماً علیه این قانون موضع گرفت، آن را "بن بست" و "رشد ناممکن در قفس" و اختلال در ارتباط با جهان دانست و به دولت رئیسی تاخت.

در مقابله با پزشک‌یان اما جلیلی در لاک اپوزیسیون رفت و تأکید کرد که طی چهل سال، دولت هیچ کاری نکرده است:

« شما [پزشک‌یان] حرف از صداقت می زنید در حالی که ۸ سال دولت هاشمی و ۸ سال دولت خاتمی و ۸ سال روحانی همه دوستان شما بودند و همین الان نیز در ستاد شما حضور دارند و دوباره طلبکار هستید. در این ۴۰ سال چه کسی سر کار بوده؟ شما بوده اید و بگوئید چه کرده اید؟ دولت شهید رئیسی بود که سیل سرمایه گذاری خارجی و صادرات ما را زیاد کرد. روحانی در ۸ سال یک بار هم به افریقا نرفت....»

پزشک‌یان که قرار بود همان راه و برنامه دولت رئیسی را ادامه دهد پاسخ داد:

« مردم عزیز! آنچه آقای جلیلی می گوید آمارهای غلط است. پولی که به جامعه ما آمده با درصد رشد فرق دارد.... این که چقدر پول دولت را در این دوره اضافه کردیم مشخص است. زندگی مردم نیز معلوم است. آی مردم! با پولتان می توانید ماشین و خانه و گوشت و نان بخرید؟ اینان می گویند روند مشکل ندارد. پس چرا بازنشستگان را که درب مجلس می آیند، کتک می زنند؟ چرا یک کشاورز نمی تواند زندگی کند؟ مگر نگفتند سالی یک میلیون مسکن می سازیم؟ اما فقط اندازه ۹۰۰ هزار مسکن مجوز داده شده و درست هم نشده است. تورم را حدود ۲۰ درصد فقط اضافه کردند....»

یادتان آمد؟ بله زمانی را می گویم که در جریان انتخابات ۱۳۸۸ موسوی رو کرد به مردم و آمارهای احمدی نژاد را قلابی خواند و گفت:

« این آقا (احمدی نژاد) نقش مار می کشد و به مردم نشان می دهد و فکر می کند می تواند مردم را فریب دهد. آی مردم! آگاه باشید. می خواهند شما را فریب دهند....»

ورود حسن روحانی به انتخابات و دفاع از پزشک‌یان کل جهت گیری های داستان را تغییر داد. او که صریحاً چند بار مواضع رهبر نظام را هدف گرفته بود این دفعه در میان اعضای سابق دولت خود ظاهر شد تا بگوید:

« خوب است همه فهمیدند راه اصلاح کشور از تعامل با جهان می گذرد نه با دعوا و نزاع و شعار نوشتن روی راکت.»

در نتیجه جدی شدن مناظرات و کنار کشیدن دو نخودی و رفتن انتخابات به دور دوم بار دیگر یک دو قطبی مبتنی بر "ابلیس (جلیلی) و قدیس (پزشکیان)" شکل بست. از نظر مردم عادی و کسانی که در دقیقه ۹۰ تصمیم گرفته بودند به پزشکیان رأی بدهند مسأله اساسی این بود که هم قالیباف و هم جلیلی از درون وضع موجود و نظام حاکم می آمدند و پزشکیان در مقام اپوزیسیون ایشان قرار گرفته بود. مسأله این نبود که پزشکیان چقدر می تواند زندگی مردم را بهبود بخشد. مسأله این بود و هست که در غیاب یک آلترناتیو جدی و مؤثر در ساحت سیاسی کشور چنین سیکل معیوبی مرتب تکرار خواهد شد. چنین تکراری هیچ ربطی به پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان به عنوان پشتوانه پیروزی پزشکیان ندارد. از سوی دیگر نباید از یاد برد که نظام حاکم نیز از صعود پزشکیان چندان ناراضی به نظر نمی رسد. آشتی مجدد بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی بقال با نظام می تواند پایه های چانه زنی او را در رابطه با غرب تقویت کند.

چندان اتفاقی نیست که علی باقری کنی در مصاحبه با فرید زکریا از "هدف احیای برجام" سخن گفته!

این داستان ادامه دارد....

۳۰ تیر - سرطان - ۱۴۰۳